

اسلوب آزاد اندیشی از سنت و مدرنیته



نویسنده : بصیر کامجو

21 اگست 2005

نخست - مشاوره والگو سازی در پرتو سنت ومدرنیته :

دگر گونی کنونی ساختار اجتماعی - اقتصادی کشور ما وجاگیری نظام مردم سالار وپارلمانی به جای نظام هایی مطلق العنان تک قومی قبیله یی افغان سیر شرایط ضرور وقانونمند یست که زمینه های مساعدی را بسوی عقل گرایی و تجربه گرایی و تقاضای مردم را برای مشارکت در امور سیاسی وکشوری فراهم میسازد.

ازدیدگاه روشن شناسی ، علوم بشری به اثبات رسانیده که ویژگی خاص انسان درتعدد انتخاب او نهفته است. برای آنکه حیات اجتماعی تداوم یابد چنگ در دامن انتخاب زد و تصمیم باید گرفت ، ابراز وجود باید کرد ودر راستای تصمیم گیری عقل گام هدفمند باید برداشت . بنا براین ویژه انتخاب است که باعث تعارض و تخالف اندیشه میان انسان ها میگردد. ودر همسویی این آرمان ، محور همه ستیزه های اجتماعی همین خواست : حق قدرت ، حق ثروت ، حق حیثیت و حق اعتبار است . هر تصمیم سیاسی وهر رویکرد فکری که با حق شناسی و حق

گیری مسئله توزیع قدرت پیوند داشته باشد ، این فزونی تقاضا بر عرضه بالفعل آن باعث میشود که به سمت رقابت مبارزه سیاسی سوق پیدا کند .

برای تعیین شیوه دست یافت مطلوب کمیاب (قدرت ، ثروت ، حیثیت و اعتبار) بگونه متعادل آن راه خیلی درازی در پیش است . اما در سو رفت این حق مقدس انسان و دست یافتی به این آرمان اخلاقی با اتکا بر مجموعه ای از ارزش ها و رهنمود ها در تعیین عمل و بویژه عمل سیاسی یک خط فکری (در فراسوی طرح راهبرد سیاسی رهبری جامعه) قبول و انتخاب گزینه های زیر قابل تبیین است.

1 - خروج از داوری اندیشه گرایی و تک اندیشی در موارد مشاگل سیاسی، رجوع به کاربرد شناخت عینی و دقیق از تاریخ و کارنامه های سیاسی نظام های گذشته و حال ، کالبد شکافی و معرفت زیرساخت های اصل عقب ماندگی .

2 - تجدید تربیت اخلاقی افراد جامعه به روحیه دگردوستی و آماده سازی خلّقی روحی و روانی آنها به قبول « حق متعادل ملکیت بر زمین و حق متعادل مشارکت در حاکمیت سیاسی » و اطاعت از اسلوب حق شناسی و حق دادی.

3 - رفع نقایص شیوه های معرفتی دید گاه های ذهنی حکومت قبلی و نگرش شخصیت های مستقل خود بین ، آزمایایی سنت انسان گرا و رویکرد های تفسیری دین پیرایی تکامل پسند کشور ما و از داشته های فرهنگی جهان صنعتی غرب .

4 - برداشت خردمندانه از گسترش روابط متقابل حقوق سیاسی و اقتصادی خراسان - افغانستان با جهان غرب صنعتی و اشاعه فرهنگ همکاری و همبستگی میان برداشت های « سنت و مدرنیته » و راهیافتی اساسات عینی کار مشترک المنافع میان برداشت های سنتی شرق و از آنجمله کشور ما با جهان متمدن با داشت صحت فکرو حسن نیت ، اعتماد و احترام متقابل با تعادل حقوقی و فرهنگی - بنفع صلح ترقی و تکامل اجتماعی همگانی.

5 - صف آراییی و جبهه گیری از جنس اندیشه صلح برای تولید نظام فکری لازم در کارآیی مبارزات حق خواهی و حق گوئی ، در فرا رفت ایجاد پل همکاری و دوستی میان خلق های میهن ما و جهان متمدن غرب صنعتی .

بر اساس موضوع سیاست کردی فرهنگ توسعه و تعبیرخواست زمان متمدن ، ما متعهد خواهیم بود که نحوه تفسیر و بازخوانی از فرهنگ و سنن پسندیده ما بایست معطوف به عمل سیاسی باشد. رسالت داوری خردمندان کشور ما در این تعبیر ایجاد مؤلفه های ابزار فکری لازم برای رهبری سالم نیرو های مقاومت ملی آزادی خواه و وطنپرست غیر

وابسته، وفادار به حفظ استقلال و منافع ملی کشور در پیروزی مبارزات سیاسی بر حق پارلمانی و کارنامه های سازندگی ایشان در حال و در آتیه میباشد.

تحلیل و تأمل بیان عقل پذیر از بارمعنایی مقولات « سنت و مدرنیته » زمانی در گذرگاه شناخت مطلوب کمال واقع میشود که راهبرد و گزینش رویکرد های اندیشه از انتخاب ارزشدادی « آزادی تفکر » برخوردار باشد. این اسلوب عقلانی در فراسوی ریشه یافتی بحران های سیاسی و راه پیدایی تحولات شگرف اجتماعی تکامل یابنده ، به بمثابة نورگوهر شناختی هستی وجود ، عرض حضور میکند .

ارزشدادی آزادی تفکرو باز نگری شیوه درک ما از فهمایی متعادل متعادل و متوازن « سنت و مدرنیته » در هدف داشتنی اعمار و سازندگی جامعه نوپای خراسان - افغانستان ، راه را بسوی نظام همآیشی واقعی باز مینماید.

این شیوه های جوهری خردمندانه از کنه ، طریقه و سیرت و سرشت سنت و ماهیت انسان نگری این قول و فعل از یکسو تصویر عینی ای بما میدهد،

و از سوی دیگر در شناسایی جهان متمدن و دست آورد های علم و تکنیک و بویژه پیشرفت های چشمگیر جوامع غرب صنعتی و از تجربه استقرار دموکراسی و تعادل حقوق شهروندی در این کشور ها ، ما را مدد میرساند .

دوم - ساختار وجودی سنت و مدرنیته :

آنچه شناخت ما را در مورد ارزشدادی مدرنیته یا غرب صنعتی کم وزن جلوه میدهد همانا نگرش آن به یک کل واحد یا طبیعت کلی میباشد. چرا با این تصور ما از ماهیت داشتنی فرهنگ شرق که جزیی از « گُلّی » میباشد چشم پوشی کرده ایم . با نگرش چشم انداز متعادل در شناخت بار ارزشی و معنایی هر دو فرهنگ به نفع خوشبختی انسان ، ما میتوانیم راه حل های معقول تری را بیابیم . و با این همگونی برخورد عاقلانه زمینه های مثبت و معقول محموله های مادی و معنوی اسلوب همآیشی و همبستگی ملت های با هم برابر جهان را در یک جبهه واحد عمل ایجاد مینماییم .

ساختار وجودی سنت و مدرنیته در مجامع شرقی و غربی گونه های کلیتی از مجموعه همکاری تحرکات گروهی ، روحانیان ، فیلسوفان ، سیاست پیشگان ، دانشمندان ، کارگران ، دهقانان ، مدیران ، صنعتگران ، پیشه وران ، باور های دینی ، گرایش های روانی ، رسوم فرهنگی ، افکار فلسفی ، علوم تجربی ، رقابت های فردی ،

تحولات اجتماعی و روابط انسانی آنان است . که در روند شکل یابندگی تاریخ همه مسبوق به وحدت نظام است .

هرگزینۀ فرهنگی در ذات خود توانایی جذب و دفع دارد . یعنی آنچه را از فرهنگ های دیگر برای زندگی خود مناسب می بیند میگیرد و آنچه را نا مطلوب میداند نمی پذیرد . اما صحت و توانمندی داشته های فرهنگی کشور ما در جریان تداوم جنگ های تحمیلی در صور بیمار گونه هستی حیات دارد . و فقط با تدبیر عمل و صحت فکر و نیت اخلاقی و با کار مشترک جمعی خرد مندان ، آنرا به سطح باروری تبدیل کرد . که بتواند حاجات امروز را بگونه ای مرفوع و آینده را بسازد .

سوم - گزینش راهبردی در مورد سنت و مدرنیته :

برداشت عقلانی ای که از « سنت پسندیده کشور » و از « نهاد های مادی و معنوی غرب صنعتی » که در پرتوی استقلال نفس و فضیلت مداری ، دور از چسپش های اندیشوی و عقیدتی به تأمل می آید ، بمثابة اساسات معنوی زیر ساخت سیاست نوین جامعه مان در راستای باز سازی و نوسازی خراسان - افغانستان نوین تلقی میگردد .

با قبول این ارزش های فرهنگی شناخته شده و پذیرفته شده ، همگون و مردم پذیر از « سنت و مدرنیته » که بر اصل خواست زمان و نیاز کشور و منافع ملی ما استوار باشد ، و هدف غایی آن ارزش ها و تحقق عملی آن در جامعه مان صرف بخاطر : آزادی انسان ، آزادی حق ، آزادی حق انتخاب ، آزادی فکر ، آزادی اندیشه ، آزادی بیان باشد ، بکارگیری چنین ارزش ها جهت حفظ نجابت و شایسته سالاری انسان راه را برای تأمین همبستگی و همجوشی ملی و عدالت اجتماعی ، محور کامل فقر و بیسوادی ، باز می سازد .

تجارب علمی و داشته های تاریخی کشور ما حاکی از آن است که سنت گرایی تیره و وابسته (خشک اندیشی ، گند اندیشی ، تنگ نظری و کوتاه بینی) که متعارف به تعصب است ، همواره با این پیش داوری های نابخردانه و لجوجانه که زاده جهل و ضعف قوه مقایسه و سنجش میباشد ، خود را برحق و مخالفان را با چشم نفس باطل تلقی میکنند و با سرخردگی های نیت و آلودگی اغراض نفسانی جلو رشد و تکامل فرهنگ نوین را گرفته و زمینه های آشتی و همکاری مشترک با فرهنگ متمدن غرب را سد واقع شده اند . این شیادان مزور و فریب کاران تفرقه افکن دست ساخت حوزه های پرورش دادی دیوبندی پاکستان ، ارتجاع منطقه ، هم مانند لکه سیاه تعصب سرشت و ناتور ، با ویژه اجیر اندیشی و کژ اندیشی ، جهالت و بی بصیرتی پیوسته در بدنه بی غش و بی تعصب سنت پاکیزه و پسندیده کشور مان جاداشته

ودرپیوند و خوش خدمتی حلقات حاکم وابسته به استعمار نو و کهنه در جامعه ماو در مجامع شرقی مشکل قابل تأمل و تدبیر است .

نظامی (1135 - 1217) سنت گرایی و تعصب را یک پدیده ناقص می شناسد و مینویسد :

برون کش پا از این پا چيله تنگ

که کفشی تنگ دارد پای را تنگ

زندگی به مفهوم زیست انسان و انسان دوستی نه در زمان گذشته بلکه در زمان حال و آینده معنی حضور دارد. باید رسوم فرتوت و کهنه گزین که انشقاق لایه های اجتماعی جامعه را ترویج نماید فاقد به گزینی ، بالندگی و آینده نگری باشد از کاربرد رهیافت طرح سیاست ساختی آینده بدورنگداشته شود .

جهان سنتی : به بیان دید و معیار های سنجش عده ای از خردمردان غرب ، از گذشته تا به حال در داوری های دایره خط تصمیم گیری مشاكل حاد جهانی در حوزه خارج از تاریخ قرار داشته است . و صرف با درک حقایق عینی زمان و تاریخ وبا شناخت علمی از اندیشه های دموکراسی جامعه غربی بنفع صلح و آشتی در سیاره ما وبا بینش آزاد اندیشی و انسانگرایی ، که نمود کلیت های پیش قراولی اند ، راه ورود به تاریخ جهانی را برای خود هموار مینماید . این اساسات حرکت و دست یافتن به بنیان های تجدد سرانجام وفاق دوجهان بینی از جنس صلح را باهم در درازنای تاریخ جهانی مساعد خواهند ساخت.

پذیرش سنت بصورت اخص به عنوان منبع اساسی بهره برداری سیاسی در جهت توسعه و تکامل فرهنگ مادی و معنوی در قالب گزاره های علمی ، دارای قدرت پیش بینی بوده و تغذیه کننده روان فکری توده های میلیونی خراسان - افغانستان در امر مبارزات سیاسی و اجتماعی ایشان به سود استقرار حاکمیت متعادل ملی میباشد.

در رهیافت فهمی مبتنی بر تفکر غرب شناختی و عوارض ذاتی آن ووجه وفاقش با ما تبلوری از تعریف حوزه های (فرهنگی ، سیاسی و اقتصادی) میباشد.

در همگامی با این اسلوب ، موفقیت سیاست گذاری و سیاست کردی جریانات فکری عاقلانه کشور مان در این بستگی دارد که نگرش های متعادل و معقول در استفاده بردی از هر دو حوزه را در اولویت های عمل سیاسی خویش قرار دهند. در یک بیان : همکاری اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی با ممالک غرب صنعتی را یگانه راه تضمین کننده حیات سیاسی صلح آمیز ، پایدار و غنامند در خراسان - افغانستان نوین قبول فرمایند. و در قالب گزاره های وصفی و تبیینی جهت روشن

ساختی اذهان نسل پیش رو و دیگر لایه های اجتماعی در گفتمان ها ، و در مطبوعات آزاد آنرا به تبلیغ گیرند.

با اتکا و تائید به این بینش آفتابی گفته آمده فوق ، خرد مند اکادمیسین دستگیر پنجشیری در یک رساله علمی و سیاسی خویش ، در مورد مرام همآیشتی و رویکرد های فکری و سیاسی قهرمان ملی زنده یاد احمد شاه مسعود با دید باز و درک عینی و عاقلانه از شرایط و خواست زمان ، منطقه و جهان به نفع صلح ، آزادی و ترقی اجتماعی جامعه ما ، صفحه از تاریخ میهن را بتشریح گرفتند .

نسل پیشتاز ، پاکیزه و غیر وابسته کشور را در همدستی و همفکری و هم صدایی با دیگر نیرو های استقلال طلب و تکامل پسند در یک جبهه واحد سراسری ملی و دموکراتیک بخاطر مبارزات سیاسی حق خواهی و حق گیری به قبول این راه و روش متعادل حقوق شهروندی رهنمایی ، تشویق و ترغیب فرموده اند.

محترم پنجشیری در اطاعت از احساس اخلاقی که ثبوتی از داوری های استقلال نفس و جوهری از فضیلت و کرامت است ، درد واقعی جامعه ما را با چشمان حق بین و جذبه های احساس قلبی و خونی و با پاکیزگی ضمیر و وجدان بی آلایش ایشان باز شناسی ، تبیین و ارزیابی مینمایند . و گزینش اندیشه احمد شاه مسعود را که از کوره های داغ آزمون مقاومت و نبرد واز خطاهای حوزه اقدام و عمل واز فرآیند : کنش سنتی و کنش عاطفی ، کنش عقلانی و کنش مدرنیته در بهره گیری از روابط قدرت خواستی نظام کشوری ، پا به عرصه وجود گذاشته به مثابه فرهنگ سیاسی راهیافت صلح و آزادی و ترقی اجتماعی به نسل دگر اندیش و پیشرونده خراسان - افغانستان نوین معرفی میکنند .

اکادمیسین پنجشیری به ادامه بیان شیوه های انطباقی فرهنگ و آموزه های صلح و ترقی به نسل جوان از زاویه انسان نگری می گوید:

« ... عقول و قلوب جوانان میهن ما، سر شار از شور زندگی و امید است.

باور تزلزل ناپذیر دارم همانگونه که در مبارزات مسلحانه ضد تجاوز "مثلث شیطانی" یکی از قله های پیروزی را تسخیر کرده اند . - در آینده "درفش مبارک آزادی" را نیز بر قله های دشوار گذارتر پیروزیهای نوین از طریق مبارزات ملی - دموکراتیک، قانونی ، پارلمانی و مسالمت آمیز برافراشته میتوانند و نقش پر افتخار اجتماعی ملی و تاریخی خود را به سود رهایی مردم شهید پرور و تحقیر شده ما و تمامی ستمدیده گان خراسان - افغانستان مستقل ایفایکنند .»

قابل یاد آوری میدانم که هدف از کالبد شکافی « سنت و مدرنیته » ، این نوشته در صدد آن بوده که با روشن بینی و استفاده از اسلوب عقل

استدلالی و نقد جدید ، در زمینه موقعیت فعلی فرهنگ سیاسی ، راه پیدایی راه رفت صلح و رشد فرهنگ خویشانداری و تحمل به نسل جوان با فهم عمیقتر مسائل یاری کند.

معیار ارزیابی ما در این گمانه « توسعه فرهنگی » در کنار تکامل زیرساخت حیات اجتماعی جامعه و راهبرد های بکار گیری اساسات همکاری متقابل میان این دو جهان بینی (شرقی - غربی) صرف گزینه های سیاسی در بیداری بینش همآیشی ملی و جهانی در تقویه احساس دگر دوستی میان نسل پیش تاز و تکامل خواه وسایر نیروهای میهن پرست کشور ما می باشد و بس .

باعرض حرمت